



## وحدت وجود در منظومه‌های امیر خسرو دهلوی در تبیین اصل وحدت و کثرت معماری مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان

پریسا غلام‌زاده نیکجو<sup>۱</sup>، ایوب کوشان<sup>۲</sup>، رستم امانی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. p.nikjoo2000@iaut.ac.ir  
<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول) استادیار گروه ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. kooshan@iaut.ac.ir  
<sup>۳</sup> استادیار گروه ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. amiani@iaut.ac.ir

### چکیده

امیر خسرو دهلوی بی‌تردید بزرگ‌ترین شاعر پارسی‌گوی هند و یکی از شاعران شیرین‌سخن و نیرومند فارسی است که آثار وی به واسطه معانی آشنا که ارباب عشق و محبت بر حسب ذوق و وجدان خود آن را درمی‌یابند مقبول همه کس افتاده است. وحدت وجود به عنوان یکی از اصول جهان‌بینی عرفانی، موضوعی است که امیر خسرو دهلوی در اشعارش به آن پرداخته و با استمداد از زبان تمثیل مسئله وحدت وجود را بیان کرده و رویکردی همه‌جانبه به آن دارد. عارفان آنچه دیده و تجربه کرده‌اند را تعبیر می‌کنند. با در نظر گرفتن چگونگی شناخت خداوند که تنزیه به همراه تشبیه است و نیز مراتب توحید نظری و عملی و رسیدن به مرتبه‌ای از شناخت که همه چیز از خدا و به سوی اوست. باتوجه به رابطه خدا و عالم که نه براساس علیت، بلکه مبتنی بر تجلی است، عارفان مسلمان به مسئله وحدت وجود وقوف یافته و آن را با تعبیر مختلفی بیان می‌کنند. این پژوهش درصدد بررسی این موضوع در آثار این شاعر بوده تا ضمن کشف عناصر وحدت وجود به کار رفته در آثار این شاعر به ارزیابی آن‌ها بپردازد. از سوی دیگر مسئله محدث وجود به عنوان یکی از انگاره‌های مربوط به فرهنگ مذهبی در معماری مساجد نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. در این پژوهش به وحدت و کثرت در معماری مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان نیز پرداخته شده است. پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیل انجام شده است حاکی از این است که اصل وحدت وجود در ادبیات امیر خسرو دهلوی و معماری مسجد شیخ لطف‌الله نقش محوری دارد.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی وحدت وجود در منظومه‌های امیر خسرو دهلوی.
  ۲. بررسی اصل وحدت و کثرت معماری در مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان.
- سؤالات پژوهش:**
۱. جایگاه وحدت وجود در منظومه‌های امیر خسرو دهلوی چگونه است؟
  ۲. جایگاه اصل وحدت و کثرت معماری در مسجد شیخ لطف‌الله چگونه است؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۸

دوره ۱۹

صفحه ۵۷۳ الی ۵۸۵

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۸/۲۲

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

### کلمات کلیدی

مفاهیم غنایی،  
وحدت وجود،  
امیر خسرو دهلوی،  
معماری،  
مسجد شیخ لطف‌الله.

### ارجاع به این مقاله

غلام زاده نیکجو، پریسا، کوشان، ایوب، امانی، رستم. (۱۴۰۱). وحدت وجود در منظومه‌های امیر خسرو دهلوی در تبیین اصل وحدت و کثرت معماری مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان. مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۸)، ۵۷۳-۵۸۵.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.48.34.4](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1401.19.48.34.4)



[dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.321094.1821](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.321094.1821)

## مقدمه

تعاریف و تفاسیر متفاوتی از وحدت وجود توسط طرفداران، مخالفین و اخیراً شرق‌شناسان غربی داده شده است. محمد غزالی می‌فرماید: «هیچ موجودی غیر از خداوند نیست ... وجود فقط به یکتا حقیقی متعلق است.» (پورجوادی، ۱۳۵۸: ۱۰۴) از ابوالعباس قصاب (قرن چهارم) سخن مشابهی نقل شده است: «در دو عالم به جز پروردگار من وجود ندارد و همه‌ی موجودات غیر از وجود او معدوم هستند.» (عین‌القضات، ۱۳۴۱: ۲۵۶). «وحدت وجوده»: [وَدَّتْ وَ] (ترکیب اضافی، مرکب) (اصطلاح صوفیه) موجودات را همه یک وجود حق سبحانه و تعالی دانستن و وجود ماسوی را محض اعتبارات شمردن چنانچه موج و حباب و گرداب و قطره و ژاله همه را یک آب پنداشتن» (لغت‌نامه دهخدا، ذیل وحدت). ابن عربی در توصیف وحدت وجود بیان می‌کند: «عین وجود یکی است اما احکام آن متعدد هستند. (عین-الوجود واحد و الاحکام مختلفه» (ابن عربی، فتوحات مکیه: ۵۱۷).

نظریه «وحدت وجود» که توسط عارفان و هنرمندان مسلمان مطرح شده است، در ابیات و آثار هنری منسوب به آن‌ها، به‌آسانی قابل‌درک است. این نظریه بر مبانی مبتنی است که ایشان آن‌ها را به‌خوبی شرح داده تا فهم آن ممکن گردد. این نظریه با استناد بر مبانی دینی به‌گونه‌ای بیان شده است که منطبق بر اصل توحید باشد؛ درحالی‌که اندیشه‌هایی چون حلول و اتحاد، کفرآمیز است. اما وحدت وجود عین توحید است. این اصل در آثار هنری چون معماری نیز نمود واضحی دارد و بسیاری از تحلیل‌گران و نظریه‌پردازان سنت‌گرا، بسیاری از عناصر موجود در معماری مساجد را نمادی از وجود اصل وحدت می‌دانند. در این پژوهش، مقوله وحدت وجود، در آثار امیرخسرو را مورد بررسی قرار می‌دهیم. وحدت حق از مهم‌ترین مباحثی است که در عرفان از دیرباز مطرح بوده است؛ این اندیشه سترگ در اشعار امیرخسرو نمود خاصی دارد و این شاعر با شهودی عاشقانه به وحدت حق دست یافته نگارنده در این پژوهش درصدد بررسی این موضوع در آثار این شاعر بوده تا ضمن کشف عناصر وحدت وجود به‌کار رفته در آثار این شاعر به ارزیابی آن‌ها بپردازد.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است اما اثر متعددی به مسئله وحدت و کثرت در معماری مسجد شیخ لطف‌الله پرداخته‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. دواتگر (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «وجود اصل وحدت و کثرت در معماری اسلامی نمونه موردی مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان» کوشیده تا به انگاره‌های وحدت و کثرت در فرهنگ اسلامی و بازتاب آن در معماری اسلامی بپردازد. مصطفی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «رسیدن از کثرت به وحدت در گنبد بناها (نمونه موردی گنبد مسجد شیخ لطف‌الله» مسئله وحدت و کثرت را تنها در گنبد مسجد شیخ لطف‌الله بررسی کرده است. با این تفاسیر پژوهش حاضر بر آن است تا با روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع بپردازد.

## ۱. مفاهیم محوری پژوهش

## ۱.۱. مفهوم عشق

در هیاهوی عشق، عاشق تسلیم است و بی‌اختیار. «اختیار از او و از ولایت او معزول است. مرغ اختیار ولایت در او نپرد» (غزالی، ۱۳۹۱: ۶۱) امیر خسرو گویی باورمند است که عشق بر جان عاشق لشکر کشی می‌کند و با سپاهی مجهز وارد عمارت جان عاشق شده و او را مغلوب می‌کند و سرانجام کشور جانش را به حکومت باشکوه و قدرتمند عشق می‌سپارد و خود در استیلائی عشق ویران می‌شود و همه او می‌گردد.

"فدای عشق شو گر خود مجاز نیست      که دولت را درو پوشیده راز نیست

حقیقت در مجاز اینک پدید است      که فتح آن خزینه زین کلید است"

(امیر خسرو، شیرین و خسرو، ۱۳۹۴: ۱۵)

«از مجموعه‌ی سخنان عاشقان حق چنین برمی‌آید که عشق چهار آرزوی دیرین بشر یعنی کیمیا، نوشدارو، مهر گیاه و اکسیر جوانی است. کیمیاست زیرا مس هستی و خودپرستی را به طلای فنا و حق جویی بدل می‌کند و عشق نوشداروی شفابخش همه دردهاست. زیرا همه درها از «خود» و از هوای «دل» ناشی می‌شود که متاع تفرقه و مایه جنگ‌هاست و عشق مهر گیاهی است که هر کس از آن بخورد محبوب همگان شود و نیز عشق اکسیر جوانی و آب حیات است که هر کس نوشید عمر ابد یافت» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۴۴: ۲۸۰).

به عقیده امیر خسرو هر کس که جلوه‌ای از جمال یار را ببیند. عقلش شوریده می‌گردد و خویش آشفته. پس معشوق را جويا می‌شود و دکانش ویران می‌گردد و سرانجام عشق را با خویش هم‌خانه می‌بیند و زخمی عمیق بر جان احساس می‌کند اما از این داغ و دردی که دارد شکوه نمی‌کند. زیرا عاشق خونین جگر می‌داند اگر عشق یار شود سود و زیان و دکان و سرمایه به هیچ نیرزد.

"ای زسودای تو در دل رونق بازار عشق      مرهم جانهاست از باد لبت آزار عشق

آنکه بیداریش خواب خوش با شاهد است      شاهدش دان آنکه حق است این چنین بیدار عشق

خسروا، با جان و دل هم قصه‌ی جانان مگوی      زانکه نتوان گفت با نامحرمان اسرار عشق"

(امیر خسرو، عزل، ۱۲۱۵: ۶۳)

## ۱.۲. تعابیر و رموز وحدت وجود

در این ساحت از عشق عرفانی که در قالب وحدت وجود رخ می‌نماید همان کلمات و تعابیر و اصطلاحات عشق مجازی کاربرد دارد؛ چراکه معنای عظیم عشق خداوندی لفظی می‌طلبد تا در بیان و این لفظ نیز به ناچار در زبان شعر همین تعابیر آشناست که عرفا آن‌ها را در بیان معنی و مفهومی که خود منظور دارند به کار می‌برند در این ساحت است که

منظور از «رخ: تجلی جمال الهی به صفت لطف مانند لطیف و رؤف و ... است و زلف: تجلی جلال الهی است به قهر مانند مانع و قهار و ...؛ حال: نقطه‌ی حقیقت؛ حضور ظهور حقیقت در مظاهر روحانیت مرا عیان و استعدادها ایشان را که صفت بصیری است؛ لب: روان‌بخشی و جانفزایی است؛ شراب: ذوق و وجد و حال است؛ ساقی: حقیقت به اعتبار حبّ ظهور در هر مظهری؛ خرابات: وحدت صرف؛ بت: هر چه پرستیده شود ماسوای حق سبحانه؛ کفر: پوشیدن وجود کثرات به وجود حق؛ غمزه و کنار بوسه؛ فیوضات و جذبات قلبی؛ باده: نشئه ذکر؛ خمّار و باده‌فروش: پیران کامل و مرشدان و اصل» (فیض کاشانی، ۱۳۲۵: ۲۶).

معنی این کلمات و اصلاحات در ساحت عرفانی در شرح گلشن راز از زبان مولانا محمد مغربی چنین آمده است:

«اگر بینی در این دیوان اشعار	خرابات و خراباتی و خمّار
بت و زنار و تسبیح و چلیپا	مغ و ترسا و گبر و دیر و مینا
شراب و شاهد و شمع و شبستان	خروش بربط و آواز مستان
چو محسوس آمد این لفظ مسموع	نخست از بهر محسوسند موضوع»
	(شبستری، ۱۳۷۱: ۳۵)

هاتف اصفهانی نیز در ترجیح‌بند عرفانی خود چنین می‌سراید:

«هاتف ارباب معرفت که گهی	مست خوانندشان و گه هشیار
از دف و چنگ و محراب ساقی	از می و جام و ساقی و زنار
قصد ایشان نهفته اسراری	که به ایما کنند گاه اظهار
پی بری گر به رازشان دانی	که همین سرّ آن اسرار
که یکی هست و نیست هیچ جز او	وحده لا اله الا هو»
	(مطهری، ۱۳۶۸: ۸۴)

اما سؤال باقی مانده آن است که که عرفای واصل و مرشدین کامل چرا برای بیان مقاصد خود این تعابیر و اصطلاحات را به کار گرفته‌اند که چند دلیل آن در ادامه ذکر می‌شود:

ابتدا همان‌طور که گفتیم عرفان توسط سنایی وارد شعر فارسی شد و سنایی از جمله شعرایی است که دو دوره زندگی داشته است: دوره اول زندگی‌اش در مدح پادشاهان و وصف معشوقان و ... گذشته اما در دوره دوم از زندگی پیشین توبه کرده به عرفان گراییده است اما زبان شعری او تغییر نیافته است؛ تنها معشوق شعرش از ساحت زمینی به ساحت عرفان منتقل شده است؛ یعنی سنایی قلندروار از خرابات و می و مطرب و معشوق و خط و خال و ... خداوند و اطوار

عشق عرفانی را منظور دارد. پس از سنایی نیز شاعرانی عرفانی که دو دوره زندگی داشته‌اند همین سنت را رعایت نموده‌اند از جمله عطار.

دوم این که "عرفا اصرار دارند که افراد غیر، از مقاصد آن‌ها آگاه نگردند زیرا معانی عرفانی برای غیرعارف - لاقبل به عقیده‌ی عرفا - قابل درک نیست این است که عرفا تعهد دارند در مکتون نگه‌داشتن مقاصد خود بر خلاف صاحبان علوم و فنون دیگر لهذا اصطلاحات عرفا علاوه بر جنبه اصطلاحی، اندکی جنبه معمایی دارد و باید راز معما را به دست آورد" (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۶۲-۳).

شیخ محمود شبستری بر همین دلیل تأکید دارد و می‌گوید:

به نزد من خود الفاظ مأول	بر آن معنی فتاد از وضع اول
"به محسوسات خاص از عرف علم است	چه داند عالم دین معنی کدام است
نظر چون در جهان عقل کردند	از آنجا لفظها را نقل کردند
تناسب را رعایت کرد عاقل	چو سوی لفظ و معنی گشت نازل
مجازی نیست احوال حقیقت	نه هر کس یابد اسرار طریقت"

(شبستری، ۱۳۷۱: ۳۶)

سوم این که بالاخره عرفا مجبوراند مفاهیتی را که درک می‌کنند به نحوی منتقل کنند و به دست مریدان و دیگر مردم برسانند اما این مفاهیم عالی آنقدر تجریدی و ذهنی و غیرقابل دسترسی می‌باشد که مدام از آن‌ها سؤال می‌شد که منظور شما از عبارات و کلمات چیست اینان نیز مجبور بوده‌اند مثال، تشبیه و... به کار ببرند و با اصطلاح آن مفاهیم عالی را قابل فهم و محسوس نمایند پس بیشتر از محیط اطراف و ذهنیت خود مریدان و سؤال کنندگان سود می‌جسته‌اند تا ذهن آن‌ها از سؤال خالی شود به این نمونه توجه کنید تا دلیل روشن تر شود.

### ۱.۳. مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان

مسجد شیخ لطف‌الله از جمله شاهکارهای معماری ایران در عصر صفوی است که ساخت آن در سال ۱۰۱۲ هـ.ق، به فرمان شاه عباس اول آغاز شد و در سال ۱۰۲۸ هـ.ق به پایان رسید. آنچه این بنا را از همتهای خود متمایز می‌سازد، نداشتن صحن، رواق و گلدسته است. تورفتگی بنا نسبت به میدان نقش جهان در مقابل پیش‌آمدگی عالی قاپو در روبه‌روی آن، نکته جالب دیگری است که در هماهنگی این دو بنای متقابل به کار رفته است. درباره ویژگی‌ها و زیبایی‌های مسجد شیخ لطف‌الله بسیار گفته و شنیده شده است؛ از پلان معماری متفاوتش نسبت به مساجد همعصر خود تا کاشی کاری منحصر به فرد گنبدخانه نیمه تاریک آن که با پرتوهای نور گذر کرده از پنجره‌ها، جلوهای شکوهمند می‌یابد (گلزار، ۱۳۹۴: ۵۱).

مسجد نمایی از هنر است؛ در این بنا نه تنها مذهب و هنر با یکدیگر تلاقی پیدا می‌کنند بلکه مهم‌ترین نماد هنر اسلامی و خصوصیات متمایز آن نمودار می‌شود. ارتباط پیکره مسجدها با هندسه و نقش و نگار کاربردی در آن‌ها، انسجام و نماد یگانگی خالق یکتا در بافت فیزیکی آن‌ها یکی از اصلی‌ترین عوامل ایجاد هویتی روحانی و قدسی است. کمال‌خواهی و زیبایی‌گرایی در ساخته‌های بشر جهت تعالی روح و جسم باعث الهام خودآگاه یا ناخودآگاه از طبیعت و تناسب طبیعی شده است. معمار اسلامی با الهام از طبیعت و رموز آن و با تطبیق و هماهنگی الگوهای زندگی با الگوهای طبیعت سعی بر بقا و به‌دست آوردن حس آرامش داشت و برای آفرینش فضاهای با کیفیت پایدار تلاش می‌کرد این الگو را در تمام جهت‌های زندگی انسان وارد کند. بدین‌سان معمار دست به خوانش طبیعت زده و رموز طبیعت را فراگرفته و در بنا به کار برده است.

## ۲. اندیشه وحدت وجود در شعر امیر خسرو و وحدت در کثرت در مسجد شیخ لطف‌الله

تا این‌جا منظور از عشق عرفانی آسمانی و شیوه پرداختن شاعران عارف بدان روشن گردیده و چگونگی جلوه جمال انسانی در آن تصریح شد. حال سؤال این است که امیر خسرو چگونه در وادی عشق حقیق قدم می‌فرسود و نفسی سوخته و مراحلی در سیر و سلوک پیموده و از شور و حال جذبه عارفانه تا مرحله فنا که آخرین مرحله وحدت است و آیا وی از کسانی است که سالک مجذوب است یعنی اول مراحل و سلسله‌ها را طی کرده و سپس مجذوب شده و به مقام پیری رسیده است و آن‌چنان اسرار عاشقی و رموز و نکات زیبایی را در جمال صفت آورده (مؤتمن، ۱۳۷۱: ۲۹۰).

با این جمال روی صنم دیدنم خطاست	کابینه مراد نه بهر جمال ماست
درویش بین به کلبه خود می‌برد هوس	زان شمع کش ملایک پروانه ضیاست
رویم به قبله و دل گمره به سوی بت	باری چرا کنیم نمازی که نارواست
خسرو منال بهر دل گم شده به درد	کالاش کن ملال که درد تو، آشناست

(امیر خسرو، غزل ش ۳۹۵: ۶۰۰)

برخلاف سایر تعلیمات امیر خسرو، که در دل زمان تغییر پذیرفته و تحول یافته، اندیشه وحدت وجود، در اندیشه وی تغییر نپذیرفته است شاعر موضوع وحدت وجود را با شیوه‌ها و روش‌های گوناگون در غزلیات، قصاید، رباعیات و سایر قالب‌های شعری و آثار دیگر چون مثنوی بیان داشته است:

تا خیال نقطه خالت سواد چشم ماست	خاک پایت مردم چشم مرا چون تو توتیاست
حاجت کحل‌الجواهر نیست آنکس را که نیست	سرمه از گرد ره توسن که نور چشم ماست
... بی‌رخ و زلف سیاهش از هواداری خویش	خسرو دلخسته را همدم به روز و شب صباست

(امیر خسرو، غزل ۱۹۲: ۷۱-۷۰)

در اشعار امیرخسرو، کلماتی چون خال، رخ، صومعه و ... که هر یک در نظر صوفیان معنای خود را دارند «خال کنایه از وحدت ذات مطلقه است» (سجادی، ۱۳۸۸: ۲۷۱) یا به معنای «نقطه وحدت حقیقه، من حیث خفا که مبدأ و منتهای کثرت اعتباری است» (همان: ۲۷۰)

اما رخ «عبارت است از تجلی جمال الهی به صفت لطف، مانند لطف در رؤف و توّاب و محبی و هادی و وهّاب» (همان: ۲۹۹). صومعه یا همان کلیسا و کنشت «کنایه از عالم معنی و شهود است» (همان: ۲۷۱).

## ۲.۱. تقابل عقل و عشق در مسیر وحدت وجود

یکی از درون‌مایه‌های بنیادی و گسترده شعر فارسی و ادب صوفیه، مسئله تقابل عقل و عشق است. امیرخسرو عقل را به عقل ایمانی و عقل یونانی تقسیم می‌کند. عقل ایمانی را هم‌پای عشق می‌ستاید و مدح می‌کند و از نظر او عقل یونانی سیه‌نامه است و باید در برابر عظمت و منزلت طفل دبستان عشق اشک ندامت ببارد. عقل مرد میدان عشق نیست. عشق چون عقابی است پر صولت که گنجشک عقل را جرأت نزدیک شدن به آن نیست. عشق را چونان شرابی پرزور و خرد (یونانی) را در برابر عشق قرار می‌دهد و آن را خام و فرومایه خطاب می‌کند و هشدار می‌دهد که در برابر آستان مقدس عشق باید ادیش را حفظ کند. در ساختارها و تزئینات مسجد شیخ لطف‌الله نیز مسئله وحدت در عین کثرت دیده می‌شود.



تصویر ۱- نمایی از فضای درونی گنبد مسجد شیخ لطف‌الله. دوره صفویه. اصفهان. منبع: (نگارنده)

در تصویر بالا گنبد که خود نماد وحدت و یگانگی در معماری است با تزئینات و ترکیب ساختاری از اجزای مساجد به‌نوعی حیزت‌انگیز به نمایش وحدت در عین کثرت درآورده است.

عقل (یونانی) را نفرین و نکوهش می‌کند و برایش غم‌های پراکنده و کوچک آرزو می‌کند و برای شور و جنون عشق، وقت خوش آرزو می‌کند. شاعر بر این باور است که آن‌چه عقل طی سال‌ها به‌دست آورده و مویی در این راه سپید کرده در مواجهه با وحدت مطلق همه را درمی‌بازد و مانند طفلی می‌شود که باید در مکتب عشق دوباره تربیت شود.

«اگرچه بربود عقل و دین مرا  
بد مگویند نازنین مرا  
گوشش از بار در گران گشته‌ست  
نشنود ناله‌ی حزین مرا  
خسروا، بگذر از سرم که ز اشک  
بیم غرقی است همنشین مرا»  
(امیر خسرو، ۱۳۶۳: غزل ۸۲)

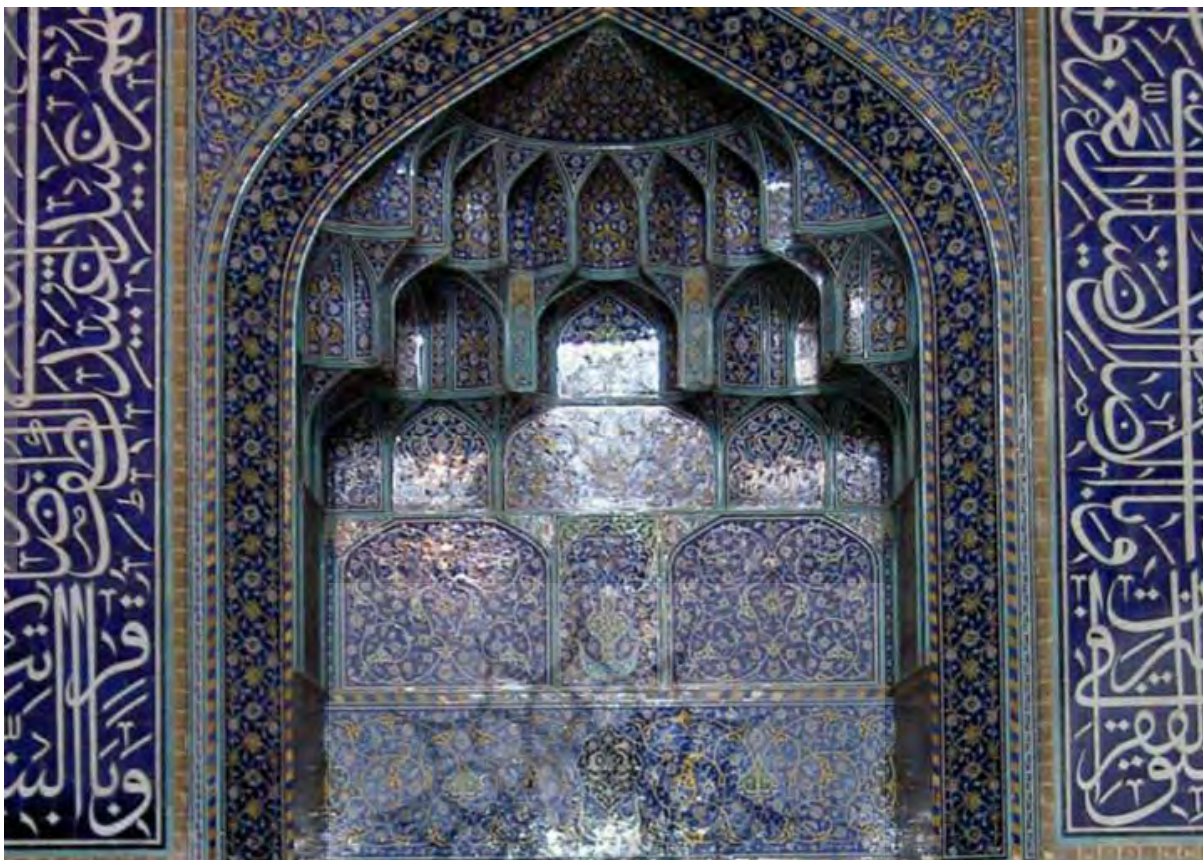
## ۲.۲. عشق نظر بازانه پایه رسیدن به وجود مطلق

«خیز که جلوه می‌کند چهره دلگشای گل  
عالم بیخودی خوش است خاصه که در هوای گل  
نافه‌گشای بوستان سکه به نام گل زده  
خطبه بلبلان همه نیست مگر ثنای گل  
تاج مرصع آورد شاخ زهر شکوفه‌ای  
تخت زمردین زند بخت به زیر پای گل  
... مستی ما به بوی تو بهر خدا چه جای می  
شادی من به روی تو، بی تو جهان چه جای گل»  
(امیر خسرو، غزل ۱۲۲۶: ۲۶۰)

با دقت در این بیت، راز توجه به چهره کاملاً آشکار می‌شود. دیباجه همان پیشگفتار یا مقدمه است و صورت نیز دیباجه‌ای است که موضوع پوشیده در حجاب عفت را روشن می‌کند و معشوق با آن یکی شده و دیگر جمال خود را نمی‌بیند هرچه می‌بیند جمال و زیبایی یار است. «همچنین می‌گوید صورت عنوان سر ذات است؛ یعنی وقتی، ترکیب زیبای صورت تو را مشاهده می‌کنیم و درمی‌یابیم که ذات تو نیز کمال و آراسته است؛ چراکه صورت عنوان یا فهرست مطالب مستور در یک مجموعه است و این است راز «اطلبو الخیر عند حسان الوجوه» (قمی، ۱۳۴۴: ۲۸۰)

به‌نظر می‌رسد که این دستاورد زیباترین و دقیق‌ترین نوع نگرش فلسفی به هستی است که البته شرط آن دور بودن از هر گونه شائبه هوا و هوس است صوفی در این مرحله به راستی بر پل صراط حرکت می‌کند؛ یعنی اگر یک آن دیدن و ندیدن او مبدل به دیدن و دیدن شود نه تنها به قعر گمراهی و ضلالت سقوط می‌کند بلکه دست غیرت خداوندی از این که به غیر توجه کرده چنان تازیان بر او فرو می‌آورد که نعوذ بالله من قضاء سوء.





تصویر ۲- نمایی از محراب مسجد شیخ لطف‌الله با تزئینات مقرنس و نقوش اسلیمی. اصفهان. دوره صفوی. (منبع: نگارنده)

در تصویر بالا محراب مسجد که خود نمادی از پیوند خالق و مخلوق است و یگانگی است با مجموعه‌ای از نقوش گیاهی در قالب کاشی‌کاری مزین شده است که وحدت رد عین کثرت را به نمایش گذاشته است.

نظریه عشق نظر بازانه بر پایه دیدن صورت و سپس رسیدن به معناست و طی این مراحل کار هر فردی نیست بلکه تنها کسی می‌تواند از صورت به معنی برسد که سواد خواندن آن را داشته باشد با مثالی این نظریه را توضیح می‌دهیم. بر روی کاغذی کلمه‌ی سیب را می‌نویسم آن را به فردی بی‌سواد یعنی کسی که با الفبای فارسی آشنا نیست نشان می‌دهیم و می‌پرسیم از نوشته‌های روی کاغذ چه معنایی را درمی‌یابی؟ بی‌شک پاسخ می‌دهد «هیچ معنایی» چون او با قراردادهای زبان و الفبای فارسی بیگانه است حال اگر به او بگوییم همین نوشته دلالت بر میوه‌ی سیب دارد که حتماً هم برای او هم شناخته شده است آیا او حق ندارد بگوید اشتباه می‌کنی مگر از این چند خط سیاه می‌توان آن میوه را دریافت؟ حتماً به خودت تلقین می‌کنی؟ ولی ما در جواب می‌گوییم اگر تو هم سواد خواندن داشتی از همین خطوطی که هم اکنون برایت بی‌معنی است به آن معنایی می‌رسیدی که ما رسیده‌ایم. دقیقاً عشق نظر بازانه بر همین مفهوم تأکید دارد و به منکران می‌گوید ما با تهذیب درون و تصفیه شدن از هوا و هوس، می‌توانیم خط خداوندی را بخوانیم و این خط ما را به وجود واحدی رهنمون می‌کند که خود و وجود خویش را نبینیم و همگی جزئی از آن وجود واحد شویم که بی‌تجربگان و بی‌سوادان آن را در نمی‌یابند بلکه تحقیر و تمسخر و حتی انکار و تفکیر می‌نمایند.

### ۲.۳. فنا فرجام وحدت

معشوق وقتی از خود و صفات خود فانی می‌گردد، بدان معنی که ذاتی جز ذات کبریایی نمی‌بیند و حجاب تعیین و کثرت از پیش چشمش برداشته می‌شود و همه چیز را به‌نظر فنا می‌نگرد و تنها بدان حقیقت نظر می‌افکند و به مرحله‌ای از توحید که نه تنها «یکی دانستن» بلکه به قول امیرخسرو «یکی شدن» است می‌رسد و این میسر نمی‌شود مگر آن که یک طرف نیست باشد «در ابتدا باید فرض این بوده باشد که از رعایت این آداب شخص متوجه گردد که در برابر خالق خود- خداوند باری تعالی- چنان فروتن باشد که وجود و شخصیت خود را محو محض پندارد و هیچ‌گاه از منی و منیت دم نزند و در مقابل آفریدگار جهان از خود بی‌خود شود» (ژوزف ادوارد، ۱۳۸۸: ۹۱۱).

عارفان طریقت فنا را یکی از پایه‌های اصلی و آخرین مقام سیر و سلوک شمرده‌اند، اعتقاد امیرخسرو این است که درد عشق، چراغی را فرا راه عاشق روشن می‌کند. به تعبیر شاملو «من زنده‌ام به رنج، می‌سوزم چراغ تن از درده» (شاملو، ۱۳۸۴: ۱۷۵). کدامین چراغ تمام وجود معشوق را می‌سوزاند و تمام هستی او را فرا می‌گیرد.

کم زان که جان به کوی تو دانیم سوختن  
گر جمله وام را نتوانیم توختن  
دعوی عشق کرده خسرو ببايدت  
چون هندوان در آتش غم زنده سوختن

(امیرخسرو، ۱۳۶۳: غزل ۱۵۸۹)



تصویر ۳- ترکیب نور و نقوش گیاهی و کتیبه‌ای در مسجد شیخ لطف‌الله. اصفهان. دوره صفوی. (منبع: نگارنده)

این ترکیب نمایان‌گر وحد در عین کثرت است.

## نتیجه‌گیری

امیر خسرو برای رسیدن به مرحله وحدت وجود ماترک تعلقات مادی و ریاضت کشیدن را پیشنهاد می‌کند و معتقد است هر کس که جلوه‌ای از جمال یار را می‌بیند عقلش شوریده می‌گردد و خویش آشفته. پس معشوق را جويا و دکانش ویران می‌شود و سرانجام عشق را با خویش هم‌خانه می‌بیند و زخمی عمیق بر جان خویش احساس می‌کند و افتراق و جدایی از بین می‌رود و کلکم نوراً واحد می‌گردد. اگر عشق یار شود سود و زیان و دکان و سرمایه به هیچ نی‌رزد؛ یعنی آن جنبه از وجود انسان که مطلقاً در حصار ماده است از وجود انسان رخ می‌بندند و فرد دل‌باخته، فنا را سر انجام وحدت می‌داند و توحید به وحدت وجود می‌انجامد و این میسر نخواهد بود مگر در نیستی و فنا. آتش دوری از محبوب سوزاننده‌تر از آتش دوزخ است ترس و وحشتی که از هجران دست می‌دهد باعث می‌شود هر لحظه از حضور را دریابد و چشم از نگاه پرجذبه محبوب بردارد امیر خسرو عاشق دلخسته را به شاخه‌ای بریده و جدامانده از درخت تشبیه می‌کند که بهارودی برایش فرقی نمی‌کند. شاعر مسئله وحدت وجود را با اصطلاحات و رموز عشق مجازی به کار می‌برد زیرا معتقد است فهم این مسائل کار هر کس نیست و در صورت التزام بایستی با زبان خاص بیان و با درکی مخصوص به خود دریافت گردد. آنجاکه بیم کج‌فهمی عوام هست باید دم از سخن فردیست. برخلاف سایر تعلیمات امیر خسرو که در طول زمان تغییر پذیرفته و تحول یافته، اندیشه وحدت وجود در اندیشه‌ی وی تغییر نپذیرفته است. شاعر موضوع وحدت وجود را با شیوه‌ها و روش‌های گوناگون در غزلیات، قصاید، رباعیات و سایر قالب‌های شعری و آثار دیگرش بیان می‌کند. در بررسی جزئیات معماری مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان نیز در معماری گنبد، در تزئینات اسلیمی، کتیبه‌ای و کاشیکاری به صورت آشکاری می‌توان جلوه‌های وحدت و وحدت در عین کثرت را مشاهده کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع و مآخذ

### کتاب‌ها

- ابن عربی، شیخ محی‌الدین، (بی‌تا). فتوحات مکیه، بیروت.
- احمدی گیوی، حسن و انوری. (۱۳۸۴). حسن، دستور زبان فارسی ۱، تهران: انتشارات فاطمی.
- امیر خسرو، خسرو بن محمود. (۱۳۸۱). دیوان کامل با مقدمه مرحوم سعید نفیسی، تهران: علمی.
- امیر خسرو، خسرو بن محمود. (۱۳۶۲). خمسه، تهران: نشر شقایق.
- پارساپور، زهرا. (۱۳۸۳). مقایسه زبان حماسی و غنایی با تکیه بر خسرو و شیرین و اسکندرنامه نظامی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین، تهران: سازمان لغت‌نامه.
- دهقانی، محمد. (۱۳۷۸). وسوسه عاشقی (بررسی تحول مفهوم عشق در فرهنگ و ادبیات ایران). تهران: جوانه رشد.
- دهلوی، امیر خسرو. (۱۳۸۱). دیوان کامل امیر خسرو. با مقدمه مرحوم سعید نفیسی. تهران: علمی.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۶). دنباله جستجو در تصوف ایران. چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- ژوزف، ادوارد. (۱۳۷۱). هفت‌بند نای، تهران: اساتید.
- سجادی، سید ضیاء‌الدین. (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف، تهران: سازمان سمت.
- سجادی، سیدجعفر. (۱۳۶۳). فرهنگ لغات و اصطلاحات عرفانی، تهران: طهوری.
- شمسیا، سیروس. (۱۳۷۰). سیر غزل در شعر فارسی. چ چهارم، تهران: فردوس.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۰). تاریخ ادبیات در ایران (جلد سوم، بخش دوم)، تهران: نشر چاپخانه تابش.
- علوی‌مقدم، محمد و همکاران. (۱۳۹۲). معانی و بیان، چاپ دوم. تهران: سمت.
- عبادیان، محمود. (۱۳۸۶). درآمدی به سبک و سبک‌شناسی در ادبیات، تهران: جهاد دانشگاهی.
- غزالی، احمد. (۱۳۶۸). سوانح، به تصحیح هملوت ریتز زیر نظر نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۳۲۵). رساله مشواق، تصحیح حسن بهمنیار، تهران: بی‌نا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، آشنایی با علوم اسلامی، ج دوم، چاپ ۱۵، تهران: صدرا.
- مؤتمن، زین‌العابدین. (۱۳۷۱). تحول شعر فارسی، چ چهارم، تهران: طهوری.

همدانی، عین‌القضات. (۱۳۴۱). تمهیدات، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

### مقالات

اصغری بایقوت، یوسف و ذوالفقاری، محسن. (۱۳۸۸). «ت‌حلیل عناصر داستانی مثنوی جمشید و خورشید»، مجله اندیشه‌های ادبی.

پورجوادی، نصرالله. (۱۳۷۲). «داستان عشق»، فصلنامه هستی، شماره مسلسل ۱، تهران.

حوقبین، فریده. (۱۳۸۲ و ۱۳۸۳). «بررسی ساخت‌های نامتعدی در زبان فارسی، نشریه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۴۸ و ۴۹، ۲۲-۱۲.

ذاکری کیش، امید. (۱۳۹۵). «نقد و بررسی نظریه ادبیات غنایی در ایران (با تکیه بر ادبیات پیش از اسلام»، جستارهای ادبی مجله علمی پژوهشی، شماره ۱۹۴، ۵۵-۳۴.

حاج‌وزیری، علیرضا؛ گودرزپروری، پرناز؛ بنی‌اردلان، اسماعیل. (۱۴۰۰). «تحلیل مقایسه‌ای پیکره مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان با مسجد سلطان احمد در استانبول (بر مبنای رویکرد کالبد محور)». فصلنامه علمی هنر اسلامی، پذیرفته شده انتشار آنلاین.

گلزار، شبنم. (۱۳۹۴). «مسجد شیخ لطف‌الله، یادگاری کم نظری از دوران صفوی». رشد آموزش هنر، شماره ۴۱، ۵۱-۵۳.

محمدپور، محمدمین؛ بابا صفری، علی‌اصغر و خانی، نرگس. (۱۳۹۶). «مقایسه تحلیلی مناجات‌های خمسه نظامی و امیر خسرو دهلوی»، مقاله، دوره ۷، شماره ۲۳، ۲۰-۹.

ناظری، افسانه؛ حسینی، مهدی؛ رزم‌خواه، حسن. (۱۳۹۷). «تحلیل مضمون عاشقانه چند نگاره از رضا عباسی با تأکید بر اثر «بانوی خیال‌پرداز» بر مبنای آرای صدرالمتألهین»، فصلنامه علمی هنر اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۲۹، ۴۴-۳۱.